۲۹ فروردین ۱۳۹۶ ـ شماره: ۷۲

مقاله ها

پایگاه اطّلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

انتخابات؛
نمایشگاه قدرت‌طلبی و ابتذال سیاسی در ایران

نویسنده مقاله:
دکتر ذاکر معروف

پایگاه اطّلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم



انتخابات؛ نمایشگاه قدرت‌طلبی و ابتذال سیاسی در ایران

دکتر ذاکر معروف

این روزها شاهد نمایشگاهی از حرص، طمع، جدال، لجاجت و مسابقه بر سر قدرت در ایران هستیم و هر اندازه به انتخابات ریاست جمهوری در این کشور نزدیک‌تر می‌شویم جلوه‌های زشت‌تر و منفورتری از آن را مشاهده می‌کنیم. چه اندازه تأسف‌برانگیز است که می‌بینیم عدّه‌ای نادان و بدبخت برای دست یافتن به قدرت بر سر یکدیگر می‌زنند و از قامت یکدیگر بالا می‌روند و از گردن یکدیگر آویزان می‌شوند و به هر دروغ و فریب و ظلم و تزویر و وعده و وعیدی توسّل می‌جویند تا مردمی نادان‌تر و بدبخت‌تر از خود را به پای صندوق‌های رأی بکشانند و به قبول حاکمیّت خود برای چند سال راضی گردانند.

چه اندازه ناراحت کننده است که می‌بینیم هر کودک و دیوانه و دلقک و رند و رذلی در حکومت طمع کرده و شناسنامه به دست در صف ثبت نام برای ریاست جمهوری ایستاده است؛ چراکه یا عطش شهرت و عقده‌ی خودنمایی امانش را بریده و طاقتش را طاق کرده است و یا به راستی خود را از کسانی که هم‌اکنون حکومت می‌کنند کمتر نمی‌بیند و از این مردم نادان و بدبخت بعید نمی‌داند که او را انتخاب کنند![1]

---

۱ . به گزارش خبرگزاری‌های ایران حضور بیش از ۱۶۰۰ نفر برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۶ که در میان آن‌ها کسانی با ادعای خدایی یا پیامبری و افرادی بی‌سواد، داش‌مشدی‌ها، پرنده‌بازها و ... دیده می‌شوند به نحوی بوده است که برخی از شخصیت‌های سیاسی پیشنهاد داده‌اند پیش از ثبت نام عمومی کاندیداها، آزمونی روان‌سنجی برای برخی از افراد در نظر گرفته شود!

برای نمونه به اخبار زیر توجّه کنید:

– در اولین روز ثبت نام انتخابات ریاست جمهوری، افراد متولد دهه هفتاد نیز برای نام نویسی در ستاد انتخابات کشور حاضر شدند تا بلکه رئیس جمهور شوند!

– جوان ۲۵ ساله‌ای که لیدر تیم‌های فوتبال از جمله تیم تراکتورسازی بود کاندیدای ریاست جمهوری شد.

– فردی سالمند با تن‌پوشی منقش به پرچم ایران و همچنین نوشته‌ای با مضمون نوکر ملت ایران، قرآن در دست بیش از دیگران جلب توجه می‌کرد.

– مسن‌ترین فردی که تا این لحظه برای نامزدی ریاست جمهوری به ستاد انتخابات مراجعه کرده متولد ۱۳۰۸ است.

– یکی از داوطلبان شرکت در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پس از ثبت نام به شکلی غیرمتعارف در جمع خبرنگاران حاضر شد. او که به گفته خود از فرط خستگی نمی‌توانست روی پاهایش بایستد، بر روی زمین نشست و گفت: ده هزار تومان قرض کردم و خودم را به ستاد انتخابات کشور رساندم تا رییس جمهور مردم شوم.

– روز اول ثبت نام‌ها یک کارشناس ارشد تربیت بدنی فاقد شغل نیز در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام و هدف خود را حل مشکل بیکاری و تورم اعلام کرد و گفت: در صورت انتخاب به مردم ۳۰۰ هزار تومان یارانه خواهد داد.

– سه رفیق خوزستانی با لباس عربی با حضور در وزارت کشور در انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کردند.

– از حواشی جالب دیگر روز اول ثبت نام‌ها حضور «حسن و حسین» دوقلوهایی بودند که قصد کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری را داشتند.

– اولین ثبت نام کننده روز دوم پسری ۱۹ ساله با مدرک اول دبیرستان بود که ضمن گرفتن فیگورهای انتخاباتی مدارک خود را تحویل میز ثبت نام ستاد انتخابات وزارت کشور داد. جوان ۱۹ ساله جوان‌ترین شخصی است که امروز بدون اطلاع دادن به خانواده‌اش ثبت نام کرده است.

– فردی با حضور در وزارت کشور می‌گوید: ثبت نام ریاست جمهوری طبق قانون شرایط سنی ندارد و به همین دلیل آمده تا دختر خردسالش را در انتخابات ثبت نام کند.

– فردی با ۵ زن و ۱۸ فرزند برای انتخابات ثبت نام کرد.

– علی جلیلیان ملقب به علی بی‌غم: تنها برای سوژه خنده آمدم، چهارم ابتدایی هستم صلاحیتم تائید نمی‌شود که برای کابینه فکر کنم!

– فردی لاهیجانی با تحصیلات فوق‌لیسانس تربیت بدنی به ستاد انتخابات وزارت کشور آمد و گفت: با توجه به شرایط حساس منطقه، ایران به رئیس‌جمهوری جنگ‌طلب نیازمند است و من همان فرد مورد نظر هستم. وی ادامه داد: اگر تأیید صلاحیت شوم و مردم به من رأی دهند، انتقام پدرم را از ترامپ می‌گیرم. وی در خاتمه افزود: امکان ترور من وجود دارد.

– فردی که حتی کفش نیز به پا نداشت و با دمپایی برای ثبت نام جهت رئیس جمهور شدن به وزارت کشور مراجعه کرد و علت را بزرگ بودن پای خود بیان و در حالی که می‌گفت نگهبان یک کارخانه کاشی سازی است از قصدش برای شنا با ترامپ رئیس جمهور آمریکا در اقیانوس هند برای خبرنگاران حاضر سخن می‌گفت. خبرنگاری نیز در خصوص حضور او

چه اندازه شرم‌آور است که می‌بینیم «حکومت بر مردم» –این «حقّ الله» و «امانت عظیم الهی»– به چنین حدّی از وهن و ابتذال افتاده و بازیچه‌ی دست شهرت‌طلبان سودایی و قدرت‌پرستان حریص شده است! بی‌گمان این بزرگ‌ترین گواه بر سقوط عقلانیّت در انسان و فراموش شدن ارزش‌ها و آرمان‌های پیامبران است. این خیمه‌شب‌بازی سیاسی در ایران و سایر کشورهای اسلامی در حالی صورت می‌گیرد و تکرار می‌پذیرد که «حکومت بر مردم» دیگ بی‌سرپوش یا مال بی‌صاحبی نیست تا هر کسی به خود جرأت دهد که دستی به آن برساند و تصرّفی در آن بکند، بل تنها برای خداوند پروردگار جهانیان است؛ چنانکه فرموده است: ﴿إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (أنعام/ ۵۷)؛ «حکمرانی جز برای خداوند نیست» و فرموده است: ﴿لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (تغابن/ ۱)؛ «حکومت برای اوست و ستایش برای اوست و او بر هر چیزی تواناست» و فرموده است: ﴿ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ﴾ (زمر/ ۶)؛ «آن است خداوند پروردگارتان که حکومت برای اوست، جز او خدایی وجود ندارد، پس به کجا روی می‌گردانید؟!» و کسی با او در آن شریک نیست؛ چنانکه فرموده است: ﴿مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾ (کهف/ ۲۶)؛ «آنان را به جز او هیچ سرپرستی نیست و در حکومت خود کسی را شریک نمی‌کند» و فرموده است: ﴿الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ﴾ (فرقان/ ۲)؛ «کسی که حکومت آسمان‌ها و زمین برای اوست و فرزندی نگرفته است و برای او شریکی در حکومت نیست» و فرموده است: ﴿ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾ (فاطر/ ۱۳)؛ «آن خداوند پروردگارتان است که حکومت برای اوست و کسانی جز او که می‌خوانید رشته‌ی هسته‌ی خرمایی را مالک نیستند» و او حاکمیّت خود را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد تا به امر او حکومت کند؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۴۷)؛ «و خداوند حکومت خویش را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خداوند گشاینده‌ای داناست» و فرموده است: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ﴾ (آل عمران/ ۲۶)؛ «بگو خداوندا! مالک حکومت تویی! حکومت را به هر کس که بخواهی می‌دهی و از هر کس که بخواهی باز می‌گیری» و دیگران را درباره‌ی آن

با کراوات برای ثبت نام در انتخابات ریاست جمهوری پرسید و او گفت که در هیچ جای قانون گفته نشده که نباید کراوات پوشید یا رئیس‌جمهور نباید کراوات داشته باشد.

– فرد معلمی نیز برای کاندیداتوری در ستاد انتخابات کشور حضور یافت و گفت که در صورت تأیید صلاحیت با شعار آموزش ملی، اقتدار ملی و اخلاق ملی در تبلیغات انتخاباتی حضور پیدا می‌کند.

– خانمی متولد ۱۳۶۱ نیز در اولین روز ثبت نام‌ها پس از تکمیل مراحل ثبت نام خود، گفت که در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز نام نویسی کرده است.

– یک خانم هم با شعار به کارگیری مردان در آشپزخانه پا به میدان گذاشت.

– بازیگر نقش «آتقی» در سریال آینه عبرت نیز بعد از ظهر امروز با ثبت نام در انتخابات تصمیم گرفت رئیس جمهور شود.

انا لله و انا الیه راجعون! این حقّ خدا و خلیفه‌ی او در زمین است که به بازی گرفته می‌شود و مورد اهانت و استهزاء قرار می‌گیرد!

حقّ انتخابی وجود ندارد؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (قصص/ ۶۸)؛ «و پروردگارت هر چیزی که بخواهد را می‌آفریند و اختیار می‌کند، آنان را اختیاری نیست؛ خداوند پاک‌تر و والاتر از چیزی است که شریک او قرار می‌دهند»؛ همچنانکه به عنوان نمونه، حکومت خویش را به طالوت داد، در حالی که اصحاب پیامبرش، به حکومت او راضی نبودند و خود را به حکومت از او شایسته‌تر می‌پنداشتند؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۴۷)؛ «و پیامبرشان به آنان گفت که خداوند برای شما طالوت را به عنوان حاکم برانگیخته است! گفتند: چگونه برای او حکومت بر ما باشد، در حالی که ما به حکومت از او شایسته‌تر هستیم و او وسعتی از مال ندارد؟! گفت که خداوند او را بر شما برگزیده و از علم و نیروی جسمانی وسعت بخشیده است و خداوند حکومت خویش را به هر کس که بخواهد می‌دهد و خداوند گشاینده‌ای داناست»؛ همچنانکه در این زمان بنا بر روایات متواتر و مشهور اسلامی، به مردی از اهل بیت پیامبرش صلّی الله علیه و آله و سلّم به نام «مهدی» داده است (نگاه کنید به: بازگشت به اسلام، ص۲۲۷) و با این وصف، «حکومت بر مردم» تنها حقّ این مرد است و دیگران حقّ تصرّف در آن را ندارند، بل تنها موظّفند که آن را به او برسانند و این کاری است که با حمایت کافی از او و عدم حمایت از حاکمان دیگر انجام می‌پذیرد (در این باره، نگاه کنید به: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، بخش آشنایی با نهضت).

از اینجا دانسته می‌شود کسانی که بدون اذن خداوند برای دست یافتن به حکومت صف کشیده‌اند و می‌کوشند با تخریب یکدیگر و سخنانی عوام‌فریبانه، مردم را به انتخاب خود تشویق کنند، شیاطینی هستند که از راه خداوند باز می‌دارند و به سوی آتش فرا می‌خوانند و کسانی که بر خلاف امر خداوند به آنان رأی می‌دهند و آنان را به حکومت می‌رسانند نیز –دانسته یا نادانسته– یاران شیطان و جنود او محسوب می‌شوند و در همه‌ی ظلم‌ها و خیانت‌های آنان به اسلام و مسلمین شریک هستند و خداوند هر دو گروه را در مکانی واحد از دوزخ گرد می‌آورد؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ۝ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ﴾ (غافر/ ۴۷ و ۴۸)؛ «و چون در آتش با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند، پس ضعفا به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما پیروان شما بودیم، پس آیا شما بخشی از آتش را به جای ما بر عهده می‌گیرید؟! کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: ما همگی در آن هستیم، خداوند میان بندگان حکم کرده است» و فرموده است: ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ

جَاءَكُمْ ۖ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ ﴿۳۱﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا ۚ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (سبأ/ ۳۱-۳۳)؛ «و اگر ظالمان را ببینی که نزد پروردگارشان ایستاده‌اند و برخی به برخی دیگر جواب پس می‌دهند، کسانی که ضعیف داشته شدند به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: اگر شما نبودید ما مؤمن می‌بودیم! کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: آیا ما شما را از هدایت مانع شدیم هنگامی که به نزدتان آمد؟! بلکه خودتان گناه‌کار بودید! و کسانی که ضعیف داشته شدند به کسانی که بزرگی جستند می‌گویند: بل توطئه‌ی شبانه‌روزی بود که ما را امر می‌کردید تا به خداوند کافر شویم و برای او شریکانی بگیریم و پشیمانی را پنهان می‌دارند هنگامی که عذاب را می‌بینند و زنجیرها را بر گردن کسانی که کافر شدند قرار می‌دهیم، آیا جز کاری که انجام می‌دادند را کیفر داده می‌شوند؟!».

بر این اساس، ما هر دو گروه را از کیفر خداوند بیم می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم که دست از این بازی‌های مسخره و تکراری بردارند و به جای تلاش برای تصاحب حکومت و نگاه داشتن آن میان حزب و باند خود، به نهضت زمینه‌سازی برای حکومت امام مهدی علیه السلام بپیوندند و برای رساندن آن حضرت به قدرت تلاش کنند؛ زیرا این کاری است که خداوند بر عهده‌ی آنان قرار داده و این کاری است که خیر و صلاح آنان است.

در پایان، توجّه همگان را به پرسش و پاسخی در این باره جلب می‌کنیم:

پرسش:

شرکت در انتخابات با هدف دفع افسد به فاسد چه حکمی دارد؟ برخی معتقدند در انتخاب بین بد و بدتر باید بد را انتخاب نمود و این یک منطق عقلی است، مثل زمانی که در حال مرگ در بیابان هستیم و یک مردار گوسفند و یک مردار خوک وجود دارد و عقل حکم می‌کند که برای نمردن از مردار گوسفند به قدر ضرورت بخوریم.

پاسخ:

دفع افسد به فاسد در جایی معقول است که اولاً دَوَران میان آن دو ثابت باشد، به این معنا که یقیناً گزینه‌ی سومی وجود نداشته نباشد و ثانیاً ابتلاء به دوران میان آن دو ناشی از تقصیر مردم در ایجاد گزینه‌ی سوم نباشد و ثالثاً قطع به مصداق آن دو در خارج وجود داشته باشد، به این معنا که معلوم باشد افسد کدام و فاسد کدام است، در حالی که در انتخابات حکومت‌های جور، اولاً دوران میان افسد و فاسد ثابت نیست؛ زیرا چنانکه در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» (ص۲۳۲ تا ۲۴۳) تبیین شده، ظاهر کردن خلیفه‌ی خداوند در زمین همواره برای مردم ممکن است و با این وصف، آنان در پذیرش حکومت غیر او معذور نیستند

و ثانیاً ابتلاء به دوران میان افسد و فاسد بنا بر فرض ثبوت آن، ناشی از تقصیر مردم در زمینه‌سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین است و بنا بر قاعده، تقصیر آنان مانع از رفع مسئولیت‌شان در حال اضطرار است و ثالثاً به فرض ثبوت دوران کذایی و عدم ثبوت تقصیر مردم، به طور قطع معلوم نیست که کدام یک از دو طرف فاسد و کدام یک افسد است: شرکت یا عدم شرکت در انتخابات و انتخاب زید یا انتخاب عمرو و با این اوصاف، «شرکت در انتخابات با هدف دفع افسد به فاسد» وجه عقلی ندارد و شرعاً حرام است، مگر از باب تقیّه برای کسی که به زمینه‌سازی برای ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین اقدام کرده و در معرض خطری غیر قابل تحمّل است که در این صورت، می‌تواند در انتخابات شرکت کند و رأی سفید بدهد تا به قدرت یافتن هیچ یک از ظالمان یاری نرسانده باشد یا در اقدامی نمادین و آموزنده، به امام مهدی علیه السّلام رأی بدهد که رأی دادن به او بر هر مسلمانی واجب است.

آری، بی‌گمان همین توهّم دفع افسد به فاسد بوده که از بعد رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم تاکنون، این امّت را به ذلّت و مسکنت دچار کرده و به تحمّل حکومت‌های ظالمان در طول تاریخ واداشته است؛ چراکه هر نسلی از مسلمانان، حاکم ظالم خود را از حاکم ظالم دیگری بهتر پنداشته و از ترس آن، این را نگاه داشته است و اتفاقاً حاکمان ظالم نیز با سوء استفاده از همین توهّم شوم، آنان را به حمایت از خود واداشته‌اند و فریب‌کارانه إلقا کرده‌اند که اگر سلطه‌ی ما را بر خود نپذیرید، فلان کس بر شما سلطه می‌یابد که از ما بدتر است و آنان نیز با سفاهتی کودکانه که به خصلت تاریخی آنان تبدیل شده است، فریب خورده‌اند و با جان و مال و آبروی خود حاکمان ظالمشان را حفظ کرده‌اند تا به خیال باطل خود دفع افسد به فاسد کرده باشند؛ غافل از آنکه زمین خداوند هیچ گاه از خلیفه‌ی او خالی نبوده است و با این وصف، آنان هیچ گاه مجبور به تحمّل یکی از دو حاکم ظالم نبوده‌اند، بلکه همواره قادر بوده‌اند با اراده و اقدام مناسب خود، به سوی خلیفه‌ی خداوند در زمان خود بازگردند و او را برای حکومت بر خود انتخاب کنند؛ چراکه او نیز مانند دیگران برای حکومت بر آنان به رأی آنان نیازمند بوده و اگر تاکنون به حکومت بر آنان دست نیافته به این سبب بوده است که آنان به او رأی نداده‌اند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«كانَتِ ٱنْتِخاباتٌ فِي ٱلْمَدِينَةِ فَقالَ لِيَ ٱلْمَنْصُورُ: هَلِ ٱنْتَخَبَ ٱلنَّاسُ سُلْطانَهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ وَ ٱنْتَخَبُوا فُلاناً! قالَ: لَوِ ٱنْتَخَبُوا ٱلْمَهْدِيَّ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ! قُلْتُ: ما كانَ مُرَشَّحاً فِيها -جُعِلْتُ فِداكَ! قالَ: ما مِنِ ٱنْتِخاباتٍ إِلّا وَ هُوَ مُرَشَّحٌ فِيها وَ لٰكِنَّ ٱلنَّاسَ لا يَنْتَخِبُونَه»؛ «انتخاباتی در شهر برگزار شد، پس جناب منصور به من فرمود: آیا مردم حاکم‌شان را انتخاب کردند؟ گفتم: آری، فلانی را انتخاب کردند! فرمود: اگر مهدی را انتخاب می‌کردند برایشان بهتر بود! گفتم: او در آن کاندیدا نبود –فدایت شوم! فرمود: هیچ انتخاباتی نیست مگر اینکه او در آن کاندیدا است، ولی مردم او را انتخاب نمی‌کنند»!

افسوس که چنین بینشی برای مردم وجود ندارد و محدود به این انسان بزرگ و یاران اندک اوست، ولی امید می‌رود که با مجاهدت‌های شبانه‌روزی آنان، دیر یا زود به باور قلبی بیشتر مسلمانان جهان تبدیل شود و آن هنگام است که زمینه برای ظهور خلیفه‌ی خداوند در زمین فراهم شده است ان شاء الله (پرسش و پاسخ ۱۵۵).